

# سازگاری با تغییر اقلیم

مریم عابدینی

مروری بر خبرهای جهان نشان می‌دهد، روزی نیست که خبری از تغییر اقلیم و پیامدهایش، و جلسات تصمیم‌گیری در مورد آن در سطح ملی و جهانی نداشته باشیم. حتی بدون مبالغه می‌توان گفت که تنها خبرهای مشترک بین کشورها همین خبرهای تغییرات اقلیم است.

اقلیم زمین از زمانی که جو (اتمسفر) آن شکل گرفته، همواره در حال تغییر و تحول بوده است. اما چالش ما از زمانی شروع شد که سرعت دگرگونی اقلیمی افزایش یافت و موجب نوسان‌های گسترده در شرایط آب‌وهوایی کره زمین شد. هنگامی که سرعت تغییرات اقلیمی زیاد می‌شود، محیط زیست نمی‌تواند با آن هماهنگ شود. به‌ویژه در سال‌های اخیر، فرصت خودپالایی از محیط زیست گرفته شده است.



بر اساس تحقیقات دیرینه اقلیم‌شناختی و بررسی دقیق نمودارهای «هولوسن»، تاکنون چندین دوره خشک‌سالی شدید شناسایی شده‌اند که به‌طور قابل ملاحظه‌ای روی محیط زیست و زندگی جوامع انسانی تأثیر گذاشته‌اند؛ چنان‌که اقتصاد جوامع را دچار رکود کرده‌اند و به فروپاشی سیاسی - اجتماعی تمدن‌ها و فرهنگ‌های باستانی یا دوره‌های فترت طولانی مدت انجامیده‌اند.

تأثیرات زیست‌محیطی تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی‌ها در عصر هولوسن در منطقه خاورمیانه، به ویژه ایران، در حدود ۳۰۰ سال دوام داشته‌اند. کشور ما از نظر جغرافیایی، به دلیل واقع شدن در منطقه خشک و نیمه‌خشک، دارای اقلیم شکننده است. از میان پدیده‌های حاصل از تغییر اقلیم، مانند بی‌نظمی در پدیده‌های آب‌وهوایی، تغییر الگوی بارش، کاهش حجم و کیفیت آب‌های زیرزمینی، تشدید فرسایش زمین، تغییر مقدار نمک اقیانوس‌ها، تغییرات جو، سرگردانی قطب‌ها، فوران آتش‌فشان‌ها، چرخه‌های اقیانوسی، گازهای گلخانه‌ای، آلودگی‌های حرارتی، جنگل‌زدایی، و انتقال آب‌های شیرین، تاکنون موارد متعددی در کشور ما رخ داده‌اند.

مهم‌ترین این شواهد را می‌توان تغییر در الگوی بارش کشور، بارش‌های ناگهانی و سیل آسا، افزایش سطح دی‌اکسید کربن، تغییرات سطح خشکی، خشک‌سالی، ایجاد پدیده‌های گردوغبار، بارش برف در نقاط مرکزی و جنوبی، کاهش فراوانی بارش برف در کشور، افزایش متوسط دمای برخی شهرها و کاهش آب‌های زیرزمینی دانست که از آشکارترین نشانه‌های دگرگونی اقلیمی هستند. بر اساس پژوهش‌های اقلیم‌شناسان، تکرار و تداوم آن‌ها در کشورمان بیان‌کننده وقوع قطعی پدیده «تغییر اقلیم» در ایران است.

از آنجا که ما دو روی سکه، یعنی خشک‌سالی و سیل را همواره با هم تجربه می‌کنیم، در نتیجه خسارت‌های فراوانی را متحمل می‌شویم. طی ۷۰ سال گذشته ۸۴۴۹ سیل در استان‌های کشور به ثبت رسیده‌اند که نیمی از آن‌ها مربوط به ۲۰ سال اخیر بوده‌اند. این یعنی هر سال ایران دست‌کم میزبان ۱۲۰ سیل است؛ به‌طور میانگین هر سه روز یک سیل (۱۸ آبان

۱۴۰۰ تسنیم). همچنین ۶۷ هزار میلیارد تومان میزان خسارت خشک‌سالی، فقط در بخش کشاورزی از ابتدای سال زراعی تا اول تیر ۱۴۰۰ بوده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۱۴۰۰).

تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند بر سلامت، غذا، مسکن، ایمنی و کار تأثیر بگذارد. هرچه تغییرات آب و هوایی سریع‌تر باشند و تلاش‌های سازگاری مدت بیشتری به تعویق بیفتند، پیامدهای تغییرات مزبور شدیدتر و گران‌تر خواهد بود. هم‌اکنون، آمار رو به افزایش مهاجرت روستاییان به شهرهای دارای آب و هجوم جانوران، به‌خصوص انواع خطرناک، به سکونتگاه‌ها، زنگ خطر را به صدا در آورده‌اند.

سؤال این است که در چنین شرایطی چه باید کرد؟ آیا سازگاری به معنای پذیرفتن مسائل امروز و دست روی دست گذاشتن است؟ یا باید مشکل را از همه ابعاد بررسی کرد و به اصطلاح با آن انطباق پیدا کرد تا جایگاه کنونی‌مان را پیدا کنیم و با پذیرفتن این موضوع، به دنبال راهکاری در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی برای جلوگیری از خسارت‌های آینده باشیم؟ بسیاری از راه‌حل‌ها می‌توانند ضمن بهبود زندگی و حفاظت از محیط زیست، مزیت‌های اقتصادی هم داشته باشند. با نگاهی اجمالی می‌توان راهکارها را به سه دسته کلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، انطباق با اثرات آب‌وهوا، و تأمین مالی تنظیمات مورد نیاز. برای مثال، تولید سوخت‌های فسیلی باید بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ تقریباً ۶ درصد در سال کاهش یابد. همچنین است تغییر سامانه‌های انرژی از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی یا بادی که موجب کاهش گازهای گلخانه‌ای می‌شود. از اقدامات دیگر، نصب سامانه‌های هشدار اولیه برای بلایا، به منظور حفاظت از جان و مال هم‌وطنان است که تأمین مالی نیاز دارد.

بیا بید با ارائه راه‌حل‌های خلاقانه و نوین، برای کاهش خسارت‌ها و حفظ منابع برای نسل‌های آینده بکوشیم؛ چرا که هرچه شروع اقدامات به تعویق بیفتد، جبران آن دشوارتر و گران‌تر خواهد شد.

والسلام